

کتاب‌شناسی

مرجعیت در آینه آثار

• محمد نوری

این مقاله به بهانه معرفی «مجموعه حجیم مجموعه اسناد و متون روحانیت» تدوین شده است. بخش معظمی از این مجموعه درباره مرجعیت است و به تاریخ تحولات پژوهش‌های مرجعیت می‌پردازد. این مقاله درصدد بررسی شرایط تاریخی تألیف این مجموعه و مقایسه آن با آثار مرجع پژوهی دیگر، با روش تطبیقی است. مرجعیت، نهادی تاریخی در سازمان روحانیت است که پشتوانه‌های تاریخی دارد و شاهد تحولات تاریخی فراوان بوده است. بیش از هزار سال از عمر مرجعیت می‌گذرد و به درستی می‌توان از هزاره مرجعیت سخن گفت. این نهاد تاریخی، در این مدت حوادث زیادی را پشت سر گذاشته است. گذشته از مرجعیت، مرجعیت‌پژوهی نیز پیشینه‌های تاریخی دارد. این دو مفهوم از یک سنخ نیستند و دو ماهیت دارند. منظور از مرجعیت‌پژوهی، تحقیقات و تألیفاتی است که درباره مرجعیت انجام یافته و در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه منتشر شده است. مرجعیت‌پژوهی دانشی درجه دوم است که با روش علمی به مطالعه مرجعیت می‌پردازد. این دانش، دارای نقطه آغاز، سیر تطورات، مراحل گوناگون، دستاوردهای علمی و بالاخره نتایجی است که کارنامه علمی آن - اعم از تحقیق، انتشار، روزنامه‌نگاری و نظریه‌پردازی - به دست ما رسیده است.

بررسی مرجعیت با برخی محدودیت‌ها و مشکلات پژوهشی روبه‌روست؛ اما بررسی مرجعیت‌پژوهی، بی‌تردید با مشکلات بیشتری مواجه است و اساساً تحقیق درباره این گونه موضوعات که عینیت و تحقق خارجی ندارند دشوارتر است.

بررسی همه‌جانبه ابعاد گوناگون مرجعیت‌پژوهی به زمانی واسع نیاز دارد و خود کتابی قطور خواهد شد؛ ولی در این مقاله با بررسی اجمالی، فقط دوره‌های برجسته و قلیل تحلیل می‌شود.

مرجعیت از ابتدا یعنی دوره امامت تاکنون مراحل مختلفی را پشت سر گذرانده است. مرجعیت‌پژوهی نیز از چند مرحله مهم گذر کرده است. اما دوره‌های تاریخ مرجعیت کاملاً بر مراحل تاریخی تحقیقات مرجعیت منطبق نیست. این دو مفهوم، سیر کاملاً مستقلی دارند و رابطه منطقی و تلازم عینی بین آن دو وجود ندارد؛ یعنی لزوماً با توسعه مرجعیت در یک دوره، تحقیقات مرجعیت نیز در همان دوره توسعه نخواهد داشت. یا اگر مرجعیت‌پژوهی در دوره‌های افول کرده است، نشانه فروکاستی نهاد مرجعیت نیست.

اما دوره‌های مرجعیت‌پژوهی عبارت‌اند از: دوره تساوق مرجعیت با مجتهد، دوره توسعه‌گرا برای مرجعیت، دوره تحلیل‌های سیاسی و دوره گسترش مطالعات آکادمیک.

این چهار دوره تمایزاتی با یکدیگر دارند و هر دوره ویژگی‌های



مختص به خود را دارد. هر دوره شامل پژوهش‌های برجسته، و چاپ و نشر آثار برجسته است.

دوره تساوق مرجعیت و مجتهد: در دورهای از تاریخ شیعه، پژوهش‌های مرجعیت همگی در مرزهای اجتهاد و تقلید انجام گرفته است. یعنی پژوهشگران درباره مفاهیم اجتهاد و تقلید به مرجعیت‌پژوهی پرداخته‌اند.

پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)، بر اساس اعتقادات امامیه، ائمه دوازده‌گانه به هدایت جامعه پرداختند و در واقع دارای مقام مرجعیت بودند. عالمان دین با کسب اجازه از محضر ائمه یا اخذ وکالت رسمی پاسخگویی به پرسش‌ها و بیان احکام و عقاید را بر عهده داشتند. عالمان پس از ائمه(ع)، وظایفی مانند تبلیغ، قضاوت، پاسخ به پرسش‌ها، و بالاخره رهبری مردم را بر دوش کشیدند. پس از آغاز غیبت حضرت ولی عصر(عج)، فقیهان و عالمان بزرگی مانند شیخ صدوق و شیخ مفید با داشتن نیابت عام از امام زمان(عج)، وظیفه هدایت و ارشاد را به عهده داشتند.

در این دوره، تحقیق مستقل درباره مرجعیت شیعه تألیف و عرضه نشده است. یعنی هیچ کدام از نویسندگان و عالمان به تألیف رساله یا کتابی درباره مرجعیت پرداختند. در عوض آثار متعددی درباره مجتهد و اجتهاد در دسترس است.

در کتاب الفهرست^۲ شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) که تمامی آثار شیعی را گردآوری و تنظیم کرده و کتاب‌ها و رسائل دانشمندان را معرفی نموده است، هیچ اثری درباره مرجعیت نیافتیم. نیز در فهرست‌های تکمیلی این کتاب یعنی معالم‌العلمای ابن شهر آشوب^۳ و فهرست منتجب‌الدین^۴، کتاب یا رساله‌ای درباره مرجعیت نیافتیم.

مفاهیم نزدیک به مفهوم مرجعیت که درباره آن آثاری از قدیم یافت می‌شود، اجتهاد و تقلید است. البته بیشتر نویسندگان از نگاه دانش فقه یا دانش اصول فقه به اجتهاد و تقلید پرداخته‌اند و گاه اطلاعات شاذ و بسیار نادری درباره مجتهد از حیث اینکه نهادی برای پاسخگویی است به دست داده‌اند.

حتی در دوره‌های آل بویه و صفویه که فقیهان در دربار نفوذ داشتند و عنان امور مملکتی و کشورداری در دست آنان بود، به عنوان مجتهدی که مناصب شرعی دارد، ایفای وظیفه می‌کردند و وظایف مرجعیت در چارچوب احکام شرعی تعریف شده بود. البته کتاب یا رساله‌ای درباره مرجعیت در این دوره یافت نشد. مثلاً در بین آثار ابوالفتح رازی، محقق کرکی، علامه مجلسی و شیخ بهایی اثری درباره مرجعیت نمی‌یابیم. همچنین پژوهشگران آن دوره، حتی روحانیت آن دوره را نیز به بررسی

نکشیده‌اند چه رسد به مرجعیت. به علاوه، در کتاب‌های اصولی و فقهی، در مباحث اجتهاد و تقلید، به بررسی احکام اجتماعی به عنوان وظیفه مجتهد پرداخته‌اند.

در بررسی دوره قاجاریه و برجسته شدن نقش مراجع در مشروطیت، به ویژه در تحقیق درباره تصویب ورود ناظران روحانی، که همه آنها در شأن مرجعیت بودند، هیچ نوشته‌ای در تحلیل این موضوعات نمی‌یابیم. حتی در رسائل مشروطیت، رساله مستقلی در این باره یافت نمی‌شود و تمامی بررسی‌ها به اجتهاد و مجتهد منحصر بوده است.^۵

البته گروهی از کتاب‌های تاریخی به وقایع تاریخ روحانیت و مرجعیت شیعی می‌پردازند. برای مثال، شیخ طوسی در ۴۴۸ق پس از غارت خانقاه از بغداد گریخت و به نجف اشرف مهاجرت کرد و حوزه علمیه نجف اشرف را بنیان گذاشت.^۶ این پدیده مورد توجه مورخان قرار گرفت و در لابلای کتب تاریخی به تأسیس حوزه علمیه نجف اشرف به عنوان مهد روحانیت و مرجعیت پرداختند، اما این پژوهش‌ها مستقلاً و مستقیماً درباره مرجعیت نیست.

به‌رحال در این دوره هنوز مفهوم مرجعیت جایگاهی در فرهنگ شیعه نیافت بود و در پرتو مفهوم اجتهاد و مجتهد تعریف می‌شد. علت این امر را نمی‌توان ناشستن تشکیلات و سازمان مرجعیت به شمار آورد. چون مرجعیت در آن زمان نیز به وظایفی مشابه تعهدات امروزی خود عمل می‌کرد؛ مثلاً به پرسش‌ها پاسخ می‌گفت، تبلیغ مذهب می‌کرد و مردم را راهنمایی می‌کرد. البته تشکیلات عریض و طویل امروزی را نداشت ولی سازمانی متناسب با آن دوره در اختیار داشت.

بنابراین باید برای عدم استقلال مرجعیت در تحلیل‌های آن دوره، علل و عوامل دیگری جستجو کرد. به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم، سیطره اندیشه فقهی بوده است. از این رو، مرجعیت را بر اساس تفکر فقهی مرادف و مساوق مجتهد می‌دانسته‌اند.^۷

دوره تحلیل‌های توسعه‌گرا برای مرجعیت: دوره اول

که فرهنگ شیعی خالی از تحلیل‌های مستقل بر مرجعیت بود تا سده چهاردهم قمری تلاوم یافت و پس از آن، دوره دوم با تألیف نخستین پژوهش مستقل درباره مرجعیت آغاز شد. مرجعیت در دوره آیت‌الله بروجردی در ابعاد مختلف تکامل یافت و ابعاد اجتماعی، حوزوی و اقتصادی آن توسعه چشمگیری پیدا کرد. اما پس از رحلت ایشان، در میان مراجع موجود کسی در آن حد و اندازه نبود. از این رو کرسی «مرجعیت کل» برای سال‌ها خالی ماند و شوون و اموراتی که در جهان توسط آیت‌الله بروجردی اداره می‌شد، بدون مدیریت رها شد. به همین دلیل عددهای از نخبگان روحانی و دانشگاهی متوجه پدیده‌ای به نام

هوشی که به او داده مسئول می‌شمرد. اتفاقاً در دنیای امروز هم نه تنها دستورگیری و دنبال‌روی منسوخ نشده است بلکه قرن به قرن در اثر توسعه و تنوع مسائل و اجرای تخصص و ضرورت انضباط و همگامی در اجتماع معمول‌تر و مقبول‌تر شده است. اگر درست دقت کنیم بیشتر اعمال مردم متمدن بر وفق نظام و نقشه‌هایی است که قبلاً ترسیم و به آنها دیکته شده است. جنبه تبعیت و تقلید از اولوالعلم و اولوالامر را دارد. با این تفاوت و با تذکار این نکته اساسی که تسلیم کورکورانه و اطاعت استبدادی نبوده امردهندگان و ترسیم‌کنندگان وظایف و تکالیف عادتاً زیدگان باصلاحیت و حسن نیتی هستند که مردم آنها را آزادانه و خواسته و دانسته به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر طبق مقتضیات در امور مختلف سیاسی، تجاری، پزشکی، علمی، فنی و غیره به‌صورت وکیل و وزیر و مدیر و دکتر و دانشمند و متخصص و غیره انتخاب می‌نمایند.^{۱۰}

مقدمه، پس از اینکه تقلید را در همه جوامع و حتی در جهان پیشرفته و متمدن، معمول و متداول دانست به سراغ شیعه و اجتهاد و تقلید شیعی رفته و می‌نویسد: «قرآن و مذهب تشیع هم که باب اجتهاد را مفتوح گذاشته و مرجعیت و تقلید را تشریح کرده همین را می‌گوید چون مرجعیت (قبل از آنکه مشروطیت و انتخاباتی به ایران بیاید و حتی حکومت‌های پارلمانی در اروپای غربی به‌وجود آید) یک عمل انتخابی بوده است و انتخاب‌کننده شخصاً موظف به تحقیق و تفحص می‌شود. بنابراین عمل ما خارج از رویه تحقیق و تفحص الزامی در این امر نمی‌باشد»^{۱۱}.

سپس هدف از تألیف این کتاب بیان می‌شود که معرفی نماینده‌های صالح و دارای شرایط برای مرجعیت است تا شیعیان پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، از او تقلید کنند. اما محققان در ضمن پژوهش‌های خود متوجه شدند که تحلیل و بررسی مباحث زیربنایی مرجعیت ضروری‌تر است: «مقصد ابتدایی تحقیق درباره شخصیت نامزدان مرجعیت و انتخاب و معرفی اعلم یا اصلاح آنها به دوستان و علاقه‌مندان بود. ولی به زودی مسئله از صورت شخصی و خصوصی خارج شده بوضع کلی عمومی‌تری درآمد زیرا بلافاصله بعد از طرح مطلب، مطالعه در صفات و شرایط مرجع پیش آمد. حتی عقب‌گرد عمیق‌تری به مبدأ موضوع و رسیدگی به اینکه اصلاً تقلید چیست و چه ضرورت دارد لازم شد. به‌علاوه این نکته جلب توجه نمود که اعلی‌ت مثل سایر امور دنیا آیا یک امر نسبی نیست؟ و برای همه کس و همه جا و همه چیز آیا جواب واحد پیدا می‌کند؟ و اصولاً آیا تمرکز و وحدت مرجعیت به لحاظ دینی و دنیایی ضرورت دارد و مصلحت می‌باشد؟

با مختصر اشارات و توجیهاتی که آقایان دادند دیدیم مطالعه در

بحران مرجعیت یا، به تعبیر بهتر، بحرانی ناشی از خلأ مرجعیت شدند و در صدد راه‌حل برآمدند. برای بررسی این موضوع، هر یک از این نخبگان جنبه‌ای از مرجعیت یا بحران مرجعیت را بررسی کردند. مجموعه این بررسی‌ها در کتابی به نام بحثی درباره مرجعیت و روحانیت چاپ شد.^{۱۲} این کتاب به نقطه آغاز دوره دوم مرجعیت‌پژوهی و نقطه عطفی در سیر تاریخی مطالعات مرجعیت بدل شد. در مقدمه این کتاب چنین آمده است:

«بعد از فوت آیت‌الله بروجردی در فروردین ماه ۱۳۴۰ اکثریت ملت ایران که شیعه عامل و مقلد اعلم هستند و همچنین مردم زیادی در کشورهای اسلامی دیگر یک‌مرتبه مواجه با خلائی در نظام اجتماعی دینی خود گردیده با اندوه آلوده به نگرانی از یکدیگر می‌پرسیدند بعد از این از کی تقلید کنیم؟ چه شخصی مرجع شیعیان باشد؟ کدام عالم بزرگ صلاحیت زعامت امت را دارد؟... این سؤال هنوز هم که ۲۰ ماه می‌گذرد یک جواب قطعی مشترک پیدا نکرده تقریباً به حال خود باقی مانده است. در آن ایام عده‌ای از مؤمنین بیدار و جوانان مسلمان با نگرانی بیشتری این سؤال را مطرح کرده علاقه‌مند بودند، انتخاب مرجع از روی حسن نیت و خلوص عقیدت و با بصیرت اطمینان‌بخش صورت بگیرد و آنها و مردم فهمیده در حاشیه قضیه و در برابر عمل انجام یافته قرار نگیرند». این افکار و بحث‌ها به مشورت‌ها و جلسه‌هایی منتهی شد. بیشتر تشکیل‌دهندگان اصلی این جلسات، انجمن‌های اسلامی تهران و شهرستان‌ها یعنی وابستگان به دبیرخانه انجمن‌های اسلامی بودند و چون غالب آنها به لحاظ مرجعیت و تقلید در صف عوام و تقلیدکنندگان قرار داشتند از شماری از روحانیان فاضل روشنفکر که اوقات خود را به همدردی و هم‌زبانی و راهنمایی طبقات جوان و تحصیلکرده می‌پرداختند نیز برای تعاطی افکار دعوت کردند.^{۱۳}

نویسندگان این مجموعه هفت تن از بزرگ‌ترین چهره‌های شیعه در این دوره بودند: یعنی علامه طباطبایی، مرتضی مطهری، سیدابوالفضل موسوی مجتهد زنجانی، سیدمحمد طالقانی، سیدمحمد بهشتی، سیدمرتضی جزائری و مهندس مهدی بازرگان. اینان در مقدمه کتاب، تلقی و برداشت خود را از مرجعیت بیان کرده‌اند که حاوی نکاتی مهم از جمله جایگاه و مرتبه مرجعیت در فرهنگ شیعی است. برای نخستین بار چنین تحلیلی‌هایی در یک نوشته مستقل درباره مرجعیت عرضه شد و راه برای پژوهش‌های دیگر گشوده شد. اهمیت این کتاب ایجاب می‌کند که بخشی از مقدمه آن بدون کم و کاست نقل شود:

«قرآن تبعیت و تقلید را منع نمی‌کند، تبعیت و تقلید کورکورانه را منع می‌نماید. خداوند شخص را به‌شکرانه چشم و گوش و عقل و

و تحریکات پشت پرده آنها دیده می‌شود. تصادفاً در آن ایام عدلهای از استادان دانشگاه در یک مسافرت نیمه علمی و فنی و نیمه تفریحی خارج تهران بودند، با آنکه اکثریت مسافرین قیدی به نماز و تقلید نداشتند با کنجکاوی خاص این خبر را می‌شنیدند، می‌خواستند بدانند جانشین معظم له کی خواهد شد و کی او را تعیین خواهد کرد، اتفاقاً یکی از آنها که بیش از سایرین ذینفع به نظر می‌آمد مسلمان هم نبود!^{۱۴}

برای نخستین بار، مرجعیت مقوله‌های ملی و امنیتی به شمار می‌آید که دست‌های بیگانه سیاست می‌خواهد در آن اعمال نفوذ کند: «غرض آنکه، مسئله مرجعیت چه مامقلد باشیم چه نباشیم علاوه بر عنوان مذهبی یک مسئله ملی و تا اندازهای اسلامی و جهانی است، چه از جهت مثبت قضیه و فوائد رهبری و تربیت و تقویت مسلمین و چه از جهت منفی یعنی سوءاستفاده‌ها و اغفال‌ها و اعمال نفوذهایی که پیوسته سیاست‌های مغرض می‌خواهند به‌سود خود و به زیان ایران و اسلام بنمایند! مختصر غفلت و لغزشی در این باب موجب وبال عظیم و خسارت‌های فردی و اجتماعی اعم از دنیوی و اخروی می‌تواند بشود».^{۱۵}

مقدمه، خود مراجع را نیز محتاج استفاده از نظریات کارشناسان می‌داند، زیرا آنان نیز معصوم نیستند و علم محدود دارند و باید در بسیاری از موضوعات مشاوراتی قوی داشته‌باشند و از دانش آنها بهره بگیرند: «تایید تصور کرد این لغزش یا غفلت انحصار به تقلید کنندگان و عامیان دارد خود مراجع نیز من باب اینکه بشرند جائز الخطا و ممکن الغفله و محدود العلم است، احتیاج به تذکر و توجه و تشکل دارند».^{۱۶}

باید دوباره تأکید کرد که مرجعیت به مسائل عبادی محدود نیست و دامنه گسترده‌ای دارد و نص قطعی ندارد بلکه بر طبق زمان و مکان باید بررسی شود: «مسئله مرجعیت و تقلید یک امر ساده محرز که مثل اقامه نماز یا پرداخت زکوة دارای نص قطعی بدون بحث و تردید باشد و همه مسلمانان آن را قبول و اجرا کرده باشند نیست، غرض آنکه مرجعیت یا تقلید حالت خشک ثابتی نداشته لازم بود چنین مطالعه‌ای بعمل آید و هرچه درباره آن بررسی کامل‌تر و انطباق با زمان و مکان بیشتر صورت گیرد به صلاح و صواب نزدیک‌تر و ثوابش بیشتر خواهد بود».^{۱۷}

گزارش چگونگی شکل‌گیری این تألیف که در مقدمه بیان شده خود قابل مطالعه و گویای نکات زیادی است: «در جلسات هفتگی متعددی که در پاییز و زمستان سال گذشته تشکیل می‌شد و بعضی از آقایان سروران از راه‌های دور و از خارج تهران می‌آمدند پس از توجه به جنبه عمومی مسئله برای آنکه نظم و تقییمی در کار باشد قرار شد موضوعات مشخص و فصل‌بندی شود و هر یک از آقایان فصلی را

اساس مطلب و روشن کردن خودمان و مردم به اینکه تقلید و مرجعیت چگونه در اسلام پیدا شده، منظور از آن چیست و چگونه باید باشد و چگونه عمل شود خیلی مهم‌تر و مفیدتر از آن است که بدون در دست داشتن میزان و مبنای جامع مقبولی بیاییم از روی تقلید یا تخمین و تقریب برحسب نظر و سلیقه و یا احیاناً غرض، فردی از افراد علمای عظام را نامزد این مقام بنماییم. طبیعی است که وقتی کم و کیف کار معین و شرایط و لوازم آن کم و بیش روشن شد هر کس به تشخیص و درایت خود یا با مشورت‌های مختصر به سهولت خواهد توانست مرجع قابل قبول را انتخاب نماید. از این راه و به اذن خدا کمک مؤثری به حسن انتخاب مرجع و تأمین بیشتر مصالح امت خواهد شد».^{۱۸}

عبارات فوق به خوبی فضای حاکم بر جامعه و ذهنیت نویسندگان را نشان می‌دهد. مهم آن است که برای نخستین بار این ادبیات و واژگانی مانند «تامزدی مرجع»، «انتخاب آگاهانه مرجع»، «وظایف اجتماعی مرجع» به میدان آمد حتی تأکید شده است که مرجعیت فقط پاسخگویی به مسائل طهارت و نجاست و کلیات نیست و دامنه‌ای وسیع دارد. زیرا در دوره آیت‌الله بروجردی وسعت جهانی و دامنه وسیع مرجعیت تجربه شده بود: «ممکن است کسانی این طول و تفصیل‌ها و بحث و تحقیق را زاید بدانند و اصولاً مسئله را کوچک بگیرند البته اگر بنا بود تقلید همان‌طور که خیلی‌ها تصور می‌نمایند منحصر به چند مسئله طهارت و نجاست و شکیات و سهویات باشد این همه معطلی لازم نداشت، ولی وقتی موضوع را به‌شرحی که در متن کتاب ملاحظه خواهید کرد با تمام وسعت و اشکال‌ها و آثارش در نظر بگیرید خواهید دید خیلی بالاتر از این حرف‌هاست. اتفاقاً عدم توجه تقلید کنندگان و تقلیدشوندگان به عظمت و امکان‌ها و تأثیرهای مرجعیت باعث کوچکی و کم‌فایده‌گی و حتی زیان‌های شدید آن شده و می‌شود».^{۱۹}

این قسمت از مقدمه جان کلام است: «مرجعیت علاوه بر جنبه آداب دینی فردی، جنبه اجتماعی دینی و سیاسی بسیار قوی در مملکت دارد و وزنه‌ای از وزنه‌های آخرت و دنیای ماست. سنگینی وزنه آن از یک‌طرف در آن مراسم و مجالس سوگواری مفصل متعدد و مکرری که در سرتاسر ایران به پاشده دیده می‌شود که نه تنها در فوت آیت‌الله بروجردی بلکه بعد از فوت مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی نیز غوغایی در ایران و مخصوصاً در تهران به پا شد مردم در مسیر دسته‌هایی که در بازار راه افتاده بود حقیقت مثل پدر مرده‌ای می‌گریستند سنگینی وزنه مرجعیت از طرف دیگر در توجه مخصوص و تکانی که مقامات دولتی و سیاسی به خود دادند، در تلگراف‌ها، در مجلس تذکارها در اصرار به اینکه از ایران به عراق منتقل می‌شود و در بسیاری از صرف پول‌ها

به سامان رسید:

تشکیلات مذهب شیعه: این کتاب نخستین تحقیقات کلاسیک در زمینه مرجعیت است که در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران به مدیریت ابومحمد و کیلی انجام یافته و از نظر زمان متأخر از کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت است.

نویسنده در سرآغاز می‌نویسد: مجموعه‌ای که به نام تشکیلات مذهب شیعه در دسترس قرار گرفته شامل مباحثی درباره اجتهاد از نظر شیعه است. مجموعه این مباحث در دو بخش به رشته تحریر درآمده است: پیرامون اجتهاد؛ پیرامون تقلید.

بخش یکم شامل تحقیقاتی است درباره تعریف اجتهاد، اجتهاد از نظر اهل سنت، علت سد باب اجتهاد، تاریخچه فقه و اجتهاد اهل سنت، اجتهاد از نظر شیعه، مقایسه اجتهاد اهل سنت و شیعه، اجتهاد از نظر علمای اخباری، مجتهد و مباحث آن.

بخش دوم که مربوط به مرجعیت است شامل پنج فصل است: موجبات پیدایش مرجعیت تقلید؛ لزوم تقلید؛ شرایط مرجع تقلید؛ چگونگی مرجعیت تقلید در زمان حاضر؛ مراجع تقلید و رؤسای مذهب شیعه از غیبت امام عصر تا زمان حاضر.

محتوای این فصول حاکی از بررسی مسائل مرجعیت از نگاه تاریخی - جامعه‌شناسی و نخستین پژوهش با چنین دیدگاهی است.

فصول چهارم و پنجم شامل این مباحث است:

فصل چهارم: چگونگی مرجعیت تقلید در زمان گذشته؛ مرجعیت تقلید در زمان حاضر؛ سیر مرجعیت؛ شورای فتوا؛ نحوه تعیین مرجع تقلید.

فصل پنجم: مراجع تقلید و رؤسای مذهب شیعه از غیبت امام عصر تا زمان حاضر؛ تابعیت مراجع؛ محل تحصیلات عالی مراجع؛ دوره‌های دوگانه مرجعیت؛ دوره‌های سه‌گانه مرجعیت تقلید؛ دوره‌های چهارگانه مراجع تقلید؛ محل اقامت مراجع تقلید؛ تمرکز و عدم تمرکز مرجعیت.

در این فصل، آمارهای مختلفی از مراجع از ابتدا تا عصر آقای بروجردی آمده است (ص ۱۲۰ - ۱۲۳). پس از آن اسامی و شمهای از زندگینامه ۸۵ نفر از مراجع از شیخ صلوق تا آیت‌الله بروجردی ذکر شده است.

این پژوهش بسیار متأثر از کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت است و در واقع فقط برخی از ابعاد آن کتاب را توسعه داده است.

روحانیت در شیعه کتاب دیگری است که در دوره دوم مرجعیت‌پژوهی درخشید.^{۱۱} نمایان ساختن ضعف‌ها و نابسامانی‌های روحانیت در زمینه‌های مختلف تبلیغ، افتاء، برخورد با مردم، تحصیل و آموزش، روابط داخلی و

انتخاب و در یک سمیناری که تشکیل خواهد شد بیان فرمایند و در معرض استفاده و قضاوت عموم بگذارند. ولی چون تدارک و ترتیب سمینار مستلزم صرف وقت زیاد از طرف بانیان و شرکت‌کنندگان بود و مخارج و مشکلاتی را ایجاد می‌نمود ترجیح دادیم آقایان مطالعات و نظریات خود را به‌صورت مقاله درآورده قبلاً در آن جمع قرائت نمایند تا سایرین نیز بشنوند و اگر نظری دارند بگویند سپس مجموعه به شکل نشریه‌ای چاپ شود و به فروش برسد.^{۱۸}

در نهایت، ده مقاله با این عناوین تدوین و آماده چاپ شد: «اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه»، علامه سیدمحمدحسین طباطبائی؛ «شرایط و وظایف مرجع»، حاج سیدابوالفضل موسوی مجتهد زنجانی؛ «اجتهاد در اسلام»، مرتضی مطهری؛ «ولایت و زعامت»، آقای علامه سیدمحمدحسین طباطبائی؛ «انتظارات مردم از مراجع»، مهندس مهدی بازرگان؛ «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین»، سیدمحمد بهشتی؛ «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، مرتضی مطهری؛ «تمرکز و عدم تمرکز مرجعیت»، سیدمحمد طالقانی؛ «تقلید اعلم یا شورای فتوی»، مرتضی جزائری؛ «مزایا و خدمات مرحوم بروجردی»، مرتضی مطهری.

مدیر طرح نیز معتقد بوده است که: «این مجموعه کامل و کافی نیست، چه بسیار مطالب که از قلم افتاده و چه بسیار تکرار و تفصیل‌های زائد که به میان آمده باشد. اما طرح مسئله، فتح بابی است که می‌شود. معذک اگر قبول حق باشد فایده آن کم نیست... چنین پژوهشی درباره مرجعیت شاید در دنیای تشیع سابقه نداشته باشد؛ زیرا به مسائل زیربنایی مرجعیت پرداخته شده؛ تفحص دسته‌جمعی بوده؛ و به قصد موشکافی در گذشته و چارچوبی در حال و پیشرفت در آینده پژوهش شده است.»^{۱۹} همان‌گونه که ذکر شد این نوع مرجعیت‌پژوهی در نوع خود بی‌سابقه است زیرا برای نخستین بار به دغدغه‌هایی می‌پردازد که در تاریخ شیعه سابقه ندارد. هر ده مقاله که مشخصات آنها ذکر شد، نشانه توجه پژوهشگران به کارکرد مرجعیت و ورود مرجعیت‌پژوهی به دورهای است که هم مردم نیازمند بازسازی مناسبات خود با مرجعیت‌اند و هم مرجعیت باید پاسخگوی نیازهای جدید باشد بنابراین، این کتاب دوره جدیدی را در مرجعیت‌پژوهی آغاز کرد. مباحث و مقدمه کتاب و دیگر ابعاد آن نشان می‌دهد که متصدیان آن با امید فراوان خواسته‌اند حرکتی را آغاز کنند؛ آن هم آغاز قوی و همه‌جانبه. ولی آیا این حرکت تداوم یافت و مطالعات درباره مرجعیت آنچنان که انتظار می‌رفت به پیش رفت؟

پس از کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت که نقطه عطفی در تاریخ مرجعیت‌پژوهی و آغازگر دوره دوم است، چند پژوهش دیگر

در مورد مراجع؛ تعارض قدیم و جدید در مسئله مرجعیت؛ مطلوبیت وحدت مرجعیت؛ عناصر قوت و ضعف در مرجعیت شیعه.

گفتگوی سوم: مرجعیت و تقلید؛ عصر جدید مرجعیت؛ نیازهای متزاید مرجعیت؛ مسئولیت مشترک علما و مردم؛ اعلمیت یا افضلیت مرجع؛ ضرورت تحول در مرجعیت؛ مسئولیت ایجاد تحول در مرجعیت موجود؛ عناصر قوت در مرجعیت عام؛ پیامدهای بحران مرجعیت؛ پیامدهای سرخوردگی مقلدین.

گفتگوی چهارم: ارزیابی طرح‌هایی که پیرامون مرجعیت ابراز می‌شود؛ مجلس فقهی؛ رهبری و وحدت مرجعیت؛ ادای خمس و زکات به ولی یا مرجع؛ تجزی در تقلید؛ گردهم‌آیی فقهای شیعه؛ رابطه رهبری و مرجعیت؛ آرزوهای دیرین.

ضمیمه اول: در این بخش، دیدگاه‌های شهید محمدباقر صدر (ره) درباره مرجعیت صالح مطرح شده است. این ضمیمه دارای این عناوین است: مقاصد مرجعیت صالح؛ تحول در اسلوب مرجعیت؛ مراحل مرجعیت صالح.

ضمیمه دوم: این ضمیمه، ترجمه پیام امام راحل به علما و حوزه‌های علمیه در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷ است.

مهم‌ترین ویژگی این پژوهش این است که با بررسی نهاد موجود مرجعیت و کارکرد فعلی آن دایره و وسعت مرجعیت را به احکام عبادی و رساله‌های عملیه منحصر نکرده بلکه مرجعیت را توسعه داده و اثبات کرده که شؤون، وظایف و کارکرد مرجعیت فراتر از پاسخگویی به احکام شرعی است.

تأملات شهید سیدمحمدباقر صدر (۱۳۵۳-۱۴۰۰ق) در باب مرجعیت بسیار مهم و اساسی است. او دو گونه نوشته دارد نخست، نوشته‌هایی که در سال‌های اول انقلاب اسلامی ایران و با تأثر از جنبش شیعی و مرجعی ایران تألیف کرده است. این نوشته‌ها به دوره سوم مرجعیت پژوهی متعلق است. یا این همه، مقالاتی درست شبیه به کتاب بحثی درباره... دارد و متعلق به دوره دوم است. در اینجا نوشته‌های مرجعیت پژوهی ایشان که متعلق به دوره دوم است معرفی می‌شود: رساله کم حجمی با عنوان لمحہ فقهیه عن مشروع دستورات الجمهوریة الاسلامیة فی ایران^{۳۴}؛ مقاله «خلافة الانسان و شهادة الانبیاء»^{۳۵}. در هر دو اثر، نظام سیاسی - شیعی به گونه‌ای ترسیم شده که مرجعیت محور و اساس آن است.

پژوهش دیگر را پژوهشگری لبنانی به انجام رسانده است.^{۳۵} نویسنده در مقدمه متذکر شده که اکثریت زیادی از شیعیان از مرجعیت چیزی نمی‌دانند و همین امر را انگیزه خود برای نگارش این اثر می‌داند این کتاب بعد از رحلت آیت‌الله حکیم و تنش‌های متعاقب آن نوشته

اخلاقیات، وجهه همت نگارنده است. وی که خود روحانی است شاهد کاستی‌های این سازمان بوده است. از ویژگی‌های بارز این کتاب داشتن ادبیات انتقادی است ولی در کنار این انتقادات کمتر راحل‌های اساسی و گره‌گشا ارائه کرده است. بخش‌هایی از این کتاب درباره مرجعیت است. این بخش‌ها عبارت‌اند از:

مخاصمه و نزاع در مرجعیت؛ تعدد مرجعیت؛ زیاده‌خواهی مرجعیت؛ مرجعیت در اسلام (تعریف مرجعیت و وظیفه آن)؛ وظایف مراجع؛ سرگردانی و تحریف اجتهاد؛ اجتهاد برای همه؛ مرجعیت و رساله؛ تحول مرجعیت به مسئله‌گویی؛ تاریخ رساله‌ها؛ تقلید مراجع از یکدیگر در رساله‌نویسی؛ منابع رساله‌ها؛ اجتهاد زنده؛ استنباد به رأی یا عامل تفرقه. کتاب دیگر در این زمینه به زبان عربی است.^{۳۶} هر چند این کتاب از نظر زمانی در دوره سوم تألیف شده، مطالب آن به دوره دوم بازمی‌گردد، زیرا ناظر بر مرجعیت شیعه در عراق و لبنان است. در این کشورها فرصت و شرایط مثل ایران نبوده است که مراجع رهبری جامعه را به دست گیرند. از این رو مرجعیت پژوهی در آن مناطق شبیه دوره سیطره دولت پهلوی بر ایران است. این کتاب از چهار فصل و دو ضمیمه فراهم آمده است.

فصل اول: مرجعیت و مردم. رابطه مردم و مرجعیت و نقش مردم به عنوان عنصر مقوم مرجعیت در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم: برخوردهای موجود در شیعه. دیدگاه‌های سیدمحمدحسین فضل‌الله درباره مشکلات مرجعیت شیعه و در واقع بحران مرجعیت در این فصل تحلیل شده است.

فصل سوم: مرجعیت عام. در این فصل ابعاد مختلف مرجعیت مانند دانش و اخلاق مرجع، مرجعیت به عنوان یک نهاد و مردم به عنوان رکنی از ارکان مرجعیت بررسی شده است فصل سوم در صدد اثبات شمولیت نهاد بودن مرجعیت است.

فصل چهارم: این فصل به مصاحبه‌ها با سیدمحمدحسین فضل‌الله اختصاص دارد و در آن چهار گفتگو آمده است. رئوس این گفتگوها از این قرار است:

گفتگوی اول: تجربه قرن گذشته در زمینه مرجعیت؛ بحران دانشینی در مرجعیت؛ کثرت و تعدد در مرجعیت؛ نقش ایده‌آل مرجع؛ مدل‌های درخشان در مرجعیت؛ نظام اداری حوزه.

گفتگوی دوم: پیریزی طرح کاملی در مرجعیت؛ رهبری و مرجعیت؛ فرهنگ عمومی و مرجعیت؛ دو نظریه در مورد تجدید حوزه‌های علمیه؛ اعلمیت شرط مرجعیت نیست؛ عمر به عنوان مشکلی

و آثار متعددی در این باره تألیف و عرضه کردند. مهم‌ترین ویژگی این دوره وجهه سیاسی تحلیل‌هاست. در واقع مرجعیت‌پژوهی سیاسی یا رهیافت سیاسی در مرجعیت‌پژوهی در این زمان متولد شد. این دوره از ۱۳۵۷ آغاز شد و تاکنون ادامه دارد.

برای روشن شدن فضای مرجعیت‌پژوهی این دوره چند پژوهش مهم در این دوره را معرفی می‌کنیم. کتاب ولایت فقیه امام خمینی، درس‌های ایشان در حوزه علمیة نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ بود و در سال‌های ۱۳۵۶ به بعد چندین بار در ایران به صورت کتاب منتشر شد. این کتاب، نقطه عطف دوره سوم و مرز تمایز دوره دوم از دوره سوم است، اما این اثر در زمره آثار مرجعیت‌پژوهی نیست. پژوهش‌های آکادمیک این دوره، تأثیر شگرفی بر اندیشه و فرهنگ شیعیان در سال‌های اخیر گذاشتند و به این ترتیب، نوعی اصول‌گرایی یا بنیادگرایی شیعی ساخته و پرداخته شد.

- تحقیقات دکتر عبدالهادی حائری به ویژه دو کتاب تشیع و مشروطیت^۴ و نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران^۵ بخش‌هایی را به کارکرد سیاسی مراجع اختصاص داده و از این نظر حائز اهمیت است. این اثر حتی مراجع گذشته را بر اساس همین نگاه بازخوانی کرده است.

حائری هدف اصلی خود را از نگارش کتاب تشیع و مشروطیت در دیباچه (ص ۱) این‌گونه بیان می‌کند: «هدف اصلی نویسنده در این کتاب آن است که واکنش رهبران مذهبی را در برابر انقلاب مشروطیت، چه از نظر درگیری عملی و چه از حیث کمک‌های فکری آنان در انقلاب در چهارچوب فعالیت‌های مشروطه‌خواهی و نوشته‌های سیاسی مرحوم میرزا محمدحسین نائینی مورد بررسی و پژوهش قرار دهد.»

کل کتاب به عامل عملی، فکری رهبران مذهبی پرداخته که مراجع وقت هم جزء آنها بوده‌اند و جریان مشروطه‌گرایی را نیز با دقت بررسی کرده است. از این‌رو، منبع مفیدی برای شناخت کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی مرجعیت است. به جز کل کتاب، فصل دوم (موضع رهبران مذهبی شیعه در برابر دستگاه سیاست) به طور خاص راجع به مرجعیت است. در همین فصل، بخش «تهادای به نام مرجع تقلید»، با روش تاریخی - جامعه‌شناسی مرجعیت را بررسی کرده است. این قسمت از مطالب زیر فراهم آمده است:

دلایل عقلی و نقلی لزوم مرجعیت و تقلید؛ سلسله مراتب مراجع؛ آمار مراجع تقلید از ابتدا تاکنون و ارزیابی این آمار؛ عوامل و موجبات مرجع کل شدن؛ رساله عملیه ابزاری لازم برای مراجع؛ فهرستی از مراجع کل از نیمه سده نوزدهم تا بعد (از صاحب جواهر تا آقا حسین بروجردی

شده است و از جمله اولین آثاری است که مستقلاً به مقوله مرجعیت پرداخته است.

عناوین این اثر، چنین است: ماهیت مرجعیت شیعه؛ چگونگی به مرجعیت رسیدن و شرایط آن؛ اجتهاد در تقلید در شیعه؛ مصادر تعیین مرجع و صفات مرجع؛ نقش مردم در تعیین مرجع؛ رابطه مردم و مرجعیت؛ آیت‌الله حکیم و مرجعیت.

نتیجه‌گیری: وقتی پژوهش‌های این دوره را که از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ ادامه یافت مرور می‌کنیم این ویژگی‌ها را می‌یابیم:

- کتاب‌ها و مقالات مستقل درباره مرجعیت تألیف شد.
- مفاهیم جدیدی وارد مرجعیت‌پژوهی شد، مانند نامزدی مرجع، انتخاب مرجع، وظایف اجتماعی مرجع.
- مرجعیت مساوق مجتهد و اجتهاد مصطلح دیده نشد و برخلاف دوره سابق که تحلیل‌ها درباره مرجعیت در چارچوب ادبیات اجتهاد و تقلید بود، ساختار جدیدی به خود گرفت.
- نگاه فقهی به مرجعیت جای خود را به تحلیل مرجعیت از منظر کارکرد اجتماعی داد.

- اجتهاد، شرط بارز مرجع و نه کل ساختار مرجع در نظر گرفته شد و برخلاف دوره سابق که مجتهد و مرجع تطابق تمام بر یکدیگر داشتند مرجع ویژگی‌ها و شرایط دیگری غیر از اجتهاد، کسب کرد و روشن شد که همه مراجع مجتهدند ولی همه مجتهدها مرجع نیستند.

- کارکرد اجتماعی و هدایت جامعه، مهم‌ترین وظیفه یا منصب محوری مرجعیت گردید و اموری مانند پاسخگویی به پرسش‌های شرعی در کنار آن وظیفه تعریف شد.

- مباحثی همچون لزوم استفاده مراجع از کارشناسان متخصص، مشورت با کارشناسان، به دلیل محدودیت دانش مرجع مطرح و تحلیل شد.

- مقولاتی مانند شورای مراجع نیز به منظور اعمال مدیریت تحلیل شده است.

دوره تحلیل‌های سیاسی: در دهه پنجاه که سیدروح‌الله موسوی خمینی مشهور به امام خمینی در مقام مرجع از حوزه علمیه قم مبارزه با رژیم شاهنشاهی را آغاز کردند و به ویژه با اوج‌گیری مبارزات در ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک مرجع شیعی، توجه به کارکرد سیاسی و نقش اجتماعی مرجعیت شیعی بیشتر شد. به طوری که مرجعیت با رهبری سیاسی مساوق و مرادف انگاشته شد. محافل آکادمیک و مراکز پژوهشی مخصوصاً در غرب به پدیده مرجعیت و عملکرد سیاسی آن به عنوان یک موضوع مهم برای پژوهش نگریستند



۱۳۴۰ش)؛ اولین مرجعیت متمرکز (مرجع کل).

این بخش از کتاب ساختار پژوهش‌های دوره دوم را دارد ولی بقیه کتاب که بررسی دیدگاه‌های نائینی، طباطبایی و سیدجمال‌الدین اسدآبادی است در صدد اثبات اندیشه سیاسی و عمل سیاسی مراجع است.

کتاب نخستین رویارویی، بعد مرجعیت‌پژوهی سیاسی را توضیح می‌دهد و آن مبارزه فقهایی مثل میرزای قمی و کاشف الغطاء با استعمار است.

حماد الگار محقق آمریکایی کتابی به زبان انگلیسی نوشته که با عنوان نقش روحانیت در جنبش مشروطیت ترجمه شده است و نقش سیاسی عالمان دین در شیعه را از نگاه مقولات سیاسی تحلیل کرده است.^{۲۸}

تحقیق دیگر در قم انجام یافته و با دیدگاه سیاسی به تحلیل مرجعیت پرداخته است.^{۲۹}

مجله حوزه که در قم از سوی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه منتشر می‌شود، شماره دوم و سوم، سال دهم (ش ۶۵۵۷) مجله ویژه مرجعیت است. دوازده مقاله در این مجلد در ۳۸۵ صفحه فراهم آمده و اولین تکنگاری است که به تمامی به مرجعیت اختصاص دارد.

انگیزه مسئولان مجله برای انتشار این ویژه‌نامه در مقاله اول که بسان مقدمه است، مطرح شده است. در آنجا ترقی و انحطاط شیعه، در گرو توانمندی یا ناتوانی این نهاد مقدس دانسته شده و از زعمای قوم درخواست شده تا این امر را به مجامله نگیرند و عنان کار را به روضه‌خوان‌ها و کسانی که ملاکشان در انتخاب مرجع اعطالی و کالت و اجازه در اخذ وجوهات است، نسپارند.

گرچه تمامی اضلاع و جوانب مرجعیت در این ویژه‌نامه مورد توجه قرار نگرفته، به عنوان اولین قدم اقدامی نیک و شایسته است. عناوین عام مقالات عبارت‌اند از: انتخاب مرجع؛ امام و مرجعیت؛ تقلید در احکام شرعی؛ مرجعیت؛ خطرها و هشدارها؛ علمیت و مرجعیت؛ جایگاه و قلمرو حکم و فتوا؛ مرجعیت و رهبری؛ مرجعیت و شایستگی‌های اخلاقی؛ مبانی تصرف در وجوه شرعی؛ مرجعیت و موضوع‌شناسی؛ مرجعیت و سیاست و مراجع صاحب رساله.

این تیتراژ گویای این است که برخی از این مقالات در حال و هوای دوره دوم نوشته شده و برخی از منظر تحلیل سیاسی به مرجعیت پرداخته است.

البته کتاب‌های دیگری نیز در اولین دوره عرضه شده که عمدتاً از دیدگاه سیاسی و رهبری جامعه به مرجعیت نگریسته‌اند از جمله:

مرجع کیست و اختیارات او چیست از احمد آذری قمی؛ الفقه والدولة: الفكر السياسي الشيعي از فواد ابراهیم^{۳۰}؛ نظرية السلطة في فقه الشيعة؛ از توفيق السيف^{۳۱}؛ ضد الاستبداد از توفيق السيف^{۳۲}. حاکمیت در اسلام از سیدمحمد مهدی خلخالی^{۳۳}. این آثار نشانه گشوده شدن دوره جدیدی در مرجعیت‌پژوهی و گسترش تحلیل‌های سیاسی در مطالعات مرجعی است.

دوره گسترش مطالعات آکادمیک: پس از رحلت امام خمینی و با فروکش کردن احساسات ناخ‌انقلابی‌گری در ایران و توجه نظام جمهوری اسلامی مستقر در ایران به واقعیت‌ها و ظهور شرایط جدید در ایران و منطقه و جهان، نگاه به مرجعیت از پنجره انقلاب‌گرایی جای خود را به بررسی‌های کلاسیک و مبتنی بر داده‌های عینی داد. زیرا متفکران می‌خواستند واقعی‌تر و عمیق‌تر به پدیده مرجعیت بپردازند و باور به این امر که وظیفه مرجعیت و هدایت دینی و معنوی مردم فقط تشکیل دولت و رهبری حکومت و ولایت سیاسی مردم نیست، تعمیم یافت. از سوی دیگر کارآمدی ولایت سیاسی مرجعیت با سوالات و خدشه‌هایی مواجه بود. انقلاب ایران نتوانسته بود در همه عرصه‌ها توفیق بیابد جنگ ایران و عراق بدون پیروزی ایران به صلح انجامید و قدرت منطقه‌ای ولایت سیاسی با مخاطراتی روبرو شد. به ویژه در حادثه مشهور مکه و کشتار حاجیان ایرانی، اوج بروز این مخاطرات به نمایش گذاشته شد. با سقوط رژیم بعثی عراق، پیروزی شیعیان در عراق و ظهور رویکرد دموکراسی در شیعیان منطقه که به نوعی گذر از ولایت سیاسی است و رونق یافتن مجدد نجف اشرف به عنوان پایگاه نظریه حسبه در ولایت فقیه، نیز مواجهه حوزه علمیه قم با بحران کارآمدی در عرصه نظریه‌پردازی و اجرای آموزه‌ها، پژوهشگران به بررسی عمیق‌تر و اساسی‌تر مرجعیت همت گماشتند. سرانجام، این عوامل دست به دست هم داد و مرجعیت‌پژوهی را به دوره جدیدی وارد ساخت که پس از رحلت امام خمینی آغاز شده و همچنان به موازات دوره دوم ادامه دارد. بنابراین، دوره سوم انشعابی در دوره دوم است و از مقطعی هر دو در کنار یکدیگر جریان یافته‌اند.

ویژگی‌های این دوره عبارت‌اند از:

۱. شناخت نظریه‌های بدیل. با اینکه نظریه ولایت فقیه، حاکم و مسلط بود، در عمل ضعف‌هایی داشت. از این رو پژوهشگران به نظریه‌های دیگر فقیهان مسلمان مراجعه کردند تا بتوانند ضعف‌های نظام ولایی را برطرف کنند.

نظام ولایی، مرجع تقلید محور است، بنابراین هرگونه مطالعه درباره این نظام یا نظام‌های اجتماعی بدیل و رقیب، با مرجعیت مرتبط بود.

روحانیت و در رأس آن، مرجعیت، نهادی فرهنگی و اجتماعی و دارای پیشینه تاریخی طولانی و گسترده، در جهان اسلام است. این نهاد در طول تاریخ، چهار وظیفه کلان پژوهش، آموزش، تبلیغ و اجرای شریعت و دین را بر عهده داشته است.

محور بسیاری از حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی در تاریخ اسلام، دانشمندان علوم دینی و در دوره جدیدتر، روحانیت بوده است. از این رو، پژوهشگران و تحلیلگران از منظرهای گوناگون به بررسی این قشر پرداخته‌اند تا به کشف روابط این قشر با دیگر اقشار جامعه و تأثیرگذاری آن در درون جامعه‌های اسلامی و در خارج از جهان اسلامی بپردازند. گاه کسانی از خود روحانیت، مانند شهید مرتضی مطهری، به ارزیابی و تحلیل روحانیت پرداخته‌اند.

در دوره گذشته که دین و علم آمیختگی داشتند و عالمان دینی به مشاغل و حرفه‌هایی همچون پزشکی و نجوم نیز می‌پرداختند، صدها مرکز پژوهشی و آموزشی و کتابخانه به همت عالمان مسلمان تأسیس و اداره می‌شد. هزاران دانشجو در درس‌های علوم قرآن و حدیث، حتی نورشناسی و فیزیک در این مراکز به تحصیل مشغول بودند. در واقع کارنامه درخشش تمدن و فرهنگ اسلامی بین سده سوم تا ششم، مرسوم تلاش‌های کسانی چون ابن سینا، ابوعلی بن مسکویه، ابوحامد محمد غزالی، شیخ طوسی و شیخ مفید است. اینان در کسوت عالم دینی و به تعبیر امروزی، روحانیت بودند. با مطالعه تاریخ و سرگذشت اینان درمی‌یابیم روحانیت در عرصه‌های مختلف آموزش، پژوهش و تبلیغ کارنامه درخشانی به یادگار نهاده است.

دوره جدید، شاهد رشد اسلام‌گرایی و گسترش نهادهای اسلامی است. این رشد و گسترش، متضمن رویکرد و گرایش‌های اجتماعی به روحانیت بوده است. از این رو، روحانیت و مرجعیت وظایف پیچیده‌تری بر عهده دارد. قشر و لایه‌ای از روحانیت که ویژگی علمی و برتری اخلاقی و معنوی، و از دیگر سو، مدیریت اجتماعی و راهنمایی مردم را بر دوش دارد، مرجعیت نامیده می‌شود. مرجعیت، نهادی عالی در روحانیت است و شأن و مرتبه علمی و معنوی آن به اندازه‌ای بوده است که همواره همراهی بسیاری از مردم را با خود داشته است. تأسیس این نهاد به شکل امروزی آن، بیش از دو سده قدمت ندارد و نخستین نمود عینی و ملموس آن، شیخ مرتضی انصاری است.

وجه غالب در روحانیت مسلمان، به رغم گوناگونی گرایش‌ها و دیدگاه‌های موجود هدایت کردن در اصول اخلاقی، راهنمایی به سوی عقاید راستین، تلاش برای انطباق آموزه‌های اسلامی با مقتضیات جدید و عمل به فضایل و محاسن است. بسیاری از فرهیختگان و نظریه‌پردازان

برای نمونه آیت‌الله محمدحسین نائینی در این دوره بسیار مورد توجه قرار گرفت؛ چندین پژوهشگر، کتاب تنبیه الامه را احیا کردند و چندین ناشر به چاپ رساندند. زیرا کتاب تنبیه الامه درباره ساختار نظام سیاسی، آزادی، مساوات و قانون عرفی دیدگاه‌های تازه‌ای را مطرح می‌کرد. چندین همایش نیز در بررسی آثار و افکار او در اصفهان و تهران برگزار شد.

۲. توجه به تعامل مرجعیت با پدیده‌های مدرن و مقتضیات جدید. پژوهشگرانی به مطالعه مرجعیت از این نگاه پرداختند که آنان در دوره جدید چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند. حتی آیت‌الله حائری یزدی، بنیان‌گذار حوزه علمیه قم در دوره معاصر از این نگاه بررسی شد.

۳. توجه به مسائل جهانی مرجعیت و نگاه به ابعاد مرجعیت از منظر جهان و عالم اسلامی و حداقل کشورهای شیعه‌نشین مربوط به این دوره است. برای نمونه کتابی با عنوان حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان در ۱۳۷۸ منتشر شد که بخشی از آن به مرجعیت در گستره جهانی پرداخته است.^{۳۳} مؤلف این اثر این نگاه را به تاریخ شیعه و قرون اولیه اسلامی تعمیم می‌دهد و مثلاً می‌گوید سیدرضی یا سیدمرتضی در قرن چهارم قمری با تقبل نقابت علویان و امارت حاجیان به رهبری شیعیان در جهان می‌پرداختند. در هر حال، این نگاه در این دوره رونق یافته است. در گذشته، نوشته‌های نمی‌یابیم که مسئله نقابت و رهبری را در عرصه جهانی مطرح کرده باشند.

۴. مرجعیت و روزنامه‌نگاری. استفاده مرجعیت از ابزار رسانه‌ها به ویژه جراید برای اطلاع‌رسانی دینی مورد پژوهش قرار گرفت. همایشی با عنوان جشنواره مطبوعات اسلامی در قم برگزار شد.

۵. توجه به تحقیقات مرجع و بنیادین. پژوهش دقیق علمی در مرجعیت مستلزم دایرة المعارف، اصطلاح‌نامه، کتاب‌شناسی، مقاله‌شناسی و دیگر آثار مرجع و مادر بود. از این رو چندین پروژه مرجع مثل تألیف دایرة المعارف یا کتاب‌شناسی در زمینه روحانیت و مرجعیت آغاز شد.

یکی از پروژه‌های مرجع که آخرین و جامع‌ترین پژوهش در این زمینه است و مدیریت مؤسسه دین‌پژوهی بشری آن را سامان داد، مجموعه متون و اسناد روحانیت در ۹۳ جلد است. این مجموعه در واقع دایرة المعارفی است که همه موضوعات و مباحث مرجعیت را در خود جای داده و به منظور اطلاع‌رسانی به پژوهشگران روحانیت و مرجعیت تألیف شده است. مدیر علمی این طرح، محمد نوری است که تاکنون حداقل ده عنوان از این مجموعه را تألیف کرده است. این اثر در دوره چهارم مرجعیت‌پژوهی تألیف یافته بنابراین، ویژگی‌ها و شرایط این دوره بر آن سایه افکننده است. در مقدمه این مجموعه چنین آمده است:

درباره ضرورت تألیف این اثر در مقدمه چنین آمده است: «متأسفانه اطلاعات مربوط به روحانیت، به روز و جامع در دست نیست. فقدان اطلاعات جامع در کتابخانه‌ها و آرشیوها موجب شده تا پژوهش‌های جدی شکل نگیرد و نسل معاصر و پژوهشگران با مراجعه به آن، به درستی به حقایق دست نیابند. حتی نهادهای درونی تشکیلات روحانیت، اعم از شیعه و سنی، برنامه‌ریزی جدی برای اطلاع‌رسانی درباره خود نداشته‌اند. به همین دلیل، پژوهش‌های مسلمانان غنای لازم را نداشته و تحقیقات غربیان به اشتباهات آغشته است. به هر حال، بخشی از تقصیر در داوری‌های منفی درباره روحانیت بر عهده خود این سازمان است. امروزه اطلاع‌رسانی در جهان، به گونه‌ای است که عملیات اطلاع‌رسانی در ترفیع یا تنقیص پایگاه اجتماعی یک گروه و قشر نیز مؤثر است. اگر روحانیت در صدد تأسیس یک اطلاع‌رسانی جامع و کارآمد و جهانی برنیاید، به یقین در آینده با بحران جدی مشروعیت و مقبولیت اجتماعی روبه‌رو خواهد بود. در مقابل، کارنامه روحانیت با جنابیت‌های اجتماعی‌اش به خوبی می‌تواند ارتقای مقبولی برای این نهاد به دست آورد.

به دلیل فقدان آثار مرجع، مانند کتاب‌شناسی‌ها، مقاله‌نامه‌ها، فهرستواره‌های پایان‌نامه‌ها و مجموعه‌های اسناد و متون گوناگون و کارآمد، پژوهش‌ها در این زمینه هم اتقان و روزآمدی کافی را ندارد. البته این نکته مهم است که پژوهشگران غربی در این زمینه گوی سبقت از مسلمانان ربوده‌اند؛ به گونه‌ای که در دهه اخیر، انبوهی از کتاب‌ها و مقالات را نویسندگان اروپا و آمریکا در این باره منتشر کرده‌اند.

مدیر پروژه فقط پژوهش‌های ایرانی را گردآوری نکرده بلکه با جستجو در کتابخانه‌ها و مراکز جهانی به گردآوری مقالات علمی از سراسر جهان درباره روحانیت پرداخته است. زیرا به این نتیجه رسیده که در این زمینه، مقالات ایرانی کافی نیست و در دهه‌های اخیر، مراکز خاورشناسی، مطالعات پرده‌های درباره روحانیت و مرجعیت انجام داده‌اند.

مدیر پروژه درباره ملاک گزینش متون می‌نویسد: متون گردآوری شده شامل مقالات، بخشی از کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هاست. متونی در قلمرو قرار می‌گیرند که در عنوان آن، روحانیت و مترادفات این واژه آمده باشد یا محتوای نوشتار به تمامی، یا بخش قابل توجهی از آن درباره روحانیت باشد.

از سوی دیگر، تنها متون علمی گردآوری می‌شود و از آوردن متون ژورنالیستی و شعاری پرهیز می‌شود.

روش تهیه این مجموعه این گونه بوده است: گام نخست، شناسایی

به این تلقی، اذعان دارند. البته در مقابل، دیدگاهی وجود دارد که روحانیت را سد راه پیشرفت و ترقی اجتماعی و فرهنگی در کشورهای اسلامی می‌داند. طرفداران این دیدگاه اندک‌اند اینان معتقدند باید رنسانس دیگری همچون اروپا در کشورهای اسلامی پدید آید و روحانیت از بسیاری امور، به ویژه حوزه‌های تخصصی کنار رود تا بستر مناسبی برای توسعه و رهایی از واپس‌ماندگی پدید آید. البته این رخداد وقتی روی می‌دهد که علم از دین جدا شود و سیاست از دین کناره گیرد.

هر دو نظریه، طرفداران و مدعیانی دارد و نسل جدید مسلمان در کشورهای مختلف اسلامی، نظاره‌گر آزمون آنهاست. این در حالی است که برخی پژوهشگران، در صدد بررسی عملکرد و کارنامه روحانیت برآمده‌اند تا با شاخص‌های علمی کارنامه آنها را بررسی کنند.

این مباحث، نشانه نوعی پژوهشگری علمی در عرصه روحانیت و مرجعیت است. به راستی، این پژوهش‌ها تعیین‌کننده سرنوشت بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها و از جمله تعیین جهت افکار عمومی است. این وضع، اقتضا می‌کند نهادهایی که با واقعیت‌ها و مسائل روحانیت از نزدیک آشنا ترند، به این گونه پژوهش‌ها بپردازند.

برای دستیابی به تحلیل‌های بهتر و عمیق‌تر، لزوماً باید مطالعات پیشین را از نظر گذراند. اندوهگانه، به رغم نکته‌های درخشان و فراوان در کارنامه روحانیت، هنوز مطالعات و پژوهش‌های جامع و تحلیلی در این زمینه سامان چندانی نیافته است. با اندک توفیقی در این کارنامه، پیش‌تازی روحانیت در خط و خطاطی، احیای میراث فرهنگی، چاپ و نشر، روزنامه‌نگاری، مبارزه با استعمار و دهها زمینه دیگر به دست می‌آید. خدمات و امدادهای اجتماعی، بیمارستان‌ها، مراکز خیریه، قرض‌الحسنه‌ها و این گونه مراکز عام‌المنفعه، به دست روحانیان شکل گرفته است.

مع‌الاسف، امروزه بیشتر پروژه‌های تحقیقاتی درباره روحانیت را غیر روحانیان به سامان رسانده‌اند و اندکی از روحانیان به تحلیلگری درباره روحانیت اهتمام ورزیده‌اند. گویا نخستین گام از سوی مؤسسه بشری، البته بسیار دیر و با تأخیر برداشته شده و در صدد گردآوری تحقیقات درباره روحانیت برآمده‌اند. فاز اول عملیات بشری، مجموعه‌سازی از مقالات منتشر شده است؛ فاز بعدی، احداث وب‌گاه در شبکه جهانی و عرضه همه اطلاعات گردآوری شده از طریق آن پایگاه است. فاز سوم، چاپ و نشر اطلاعات سودمند و علمی در قالب مجموعه‌های اسناد، مقالات و کتاب‌هاست. در پی درخواست آن مؤسسه، برای فاز اول، طرح اجمالی تدوین شد و با تصویب آن، کار پژوهشی از تیرماه ۱۳۸۳ آغاز شد. در این طرح، درباره ضرورت و ابعاد دیگر طرح، نکاتی آمده که عیناً در اینجا نقل می‌شود.

مقاله نوشتنهای است که در حد کتاب و در قالب پایان نامه و جزوه نیست و برای درج در نشریه یا مجموعه سامان یافته است. مقالتهای در این قلمرو قرار می‌گیرد که عنوان آن، روحانیت مطلق و بدون قید علمی باشد یا دو سوم آن درباره روحانیت باشد. منظور از روحانیت مطلق، نهاد روحانیت یا قشر روحانیت است، اما مصادیق یا ابعاد علمی آن، مانند اخلاق روحانیت در قلمرو نیست، مگر اینکه دو سوم آن درباره خود روحانیت باشد روحانیت با قید جغرافیایی، مانند روحانیت ایران، در قلمرو است و روحانیت مقید به مذهب، مانند روحانیت شیعه نیز در قلمرو قرار می‌گیرد

ساختار و تنظیم ۹۲ جلد این مجموعه اینگونه است:

دفتر یک: تاریخ روحانیت

۱. تاریخ عمومی
۲. تاریخ روحانیت شیعه - بررسی کلی
۳. تاریخ روحانیت شیعه: سده اول تا دهم
۴. تاریخ روحانیت شیعه: سده دهم تا سیزدهم
۵. تاریخ روحانیت شیعه: سده سیزدهم تا پانزدهم

دفتر دو: کلیات

۶. کتابشناسی‌های منتشره روحانیت
۷. مآخذشناسی پایان نامه‌ها و موضوعات مرتبط به روحانیت
۸. اطلاعات آثار علمی موجود در سایت پارسا
۹. رخدادهای فرهنگی

دفتر سه: بررسی‌های عمومی

۱۰. تحلیل‌های عمومی
۱۱. خاطرات
۱۲. مصاحبه‌ها
۱۳. دیدگاه‌های امام خمینی
۱۴. دیدگاه‌های دیگران

دفتر چهار: نظام آموزشی

۱۵. کلیات
۱۶. بررسی‌های عمومی و تاریخی
۱۷. متون آموزشی
۱۸. علوم حوزوی
۱۹. رشته‌های درسی
۲۰. تدریس و تحصیل

دفتر پنج: نظام اداری روحانیت

منابع در سراسر جهان است و این نیاز به تشکیل تیم زبان‌دان و خبره و بررسی آرشیوها و کتابخانه‌هاست. از طریق مطالعه فهرست‌های نشریات (مقاله‌نامه‌ها) و کتابشناسی‌ها اطلاعات اولیه گردآوری و سپس به گردآوری خود آن متون اقدام شد.

شناسایی، گردآوری، طبقه‌بندی و تنظیم، مقدمه‌نگاری، زیباسازی و تجلید، شش مرحله کاری این پروژه بوده است. در هر مرحله، ضوابط و استانداردهای جهانی به دقت رعایت شده است.

قلمرو این مجموعه این گونه است: قلمرو زمانی مطرح نیست و هر مقاله درباره روحانیت بماهو روحانیت و بدون قید زمانی خاص، مانند مشروطیت‌خواهی روحانیت گردآوری خواهد شد. قلمرو علمی خود روحانیت است.

موضوع روحانیت و مرجعیت، پهنه تاریخی به عمق همه تاریخ اسلام و گستره‌ای در تمامی جهان اسلام دارد. در عصر نبوت، شخص پیامبر اکرم (ص) مرجعیت علی الاطلاق و پس از ایشان، به نظر شیعه، امامان معصوم (ع) این منصب را دارا بودند. با آغاز غیبت واپسین امام شیعه، افرادی از عالمان به نیابت از امامان (ع) به این وظایف پرداختند. پس از این بود که روحانیت به تدریج به عنوان یک نهاد دینی و در رأس آن، مرجعیت شکل گرفت. البته این نهاد به مرور زمان کامل‌تر گردید. تلاش کردیم متون مختلف در تمامی اعصار، گردآوری و به ترتیب تاریخی تنظیم، و در پایگاه عرضه شود.

این مجموعه فقط آثار علمی مکتوب درباره روحانیت را شامل است. این آثار، شامل کتاب‌ها یا مقالات علمی خود روحانیان یا مراجع نمی‌شود؛ بلکه مشتمل بر منابع پیرامون این موضوع است.

این مجموعه در یک ساختار منطقی، منظم و باب‌بندی می‌شوند. اساس در این ساختار این است که شاخه‌های اصلی بر پایه سرفصل‌های علوم مرتب شود. بنابراین بدنه اصلی تقسیم‌بندی تاریخی و جغرافیایی نیست. نیز، انبوهی و کثرت منابع برای هر فصل مهم و تعیین کننده است.

اما درباره موارد دیگری که گردآوری شده، در مقدمه آمده است که: تاکنون صدها منبع درباره روحانیت و مرجعیت به زبان‌های مختلف منتشر شده است. این منابع شامل پایان نامه‌های دانشگاهی، پژوهش‌های حوزوی و دانشگاهی، مقاله، نشریه، کتاب تحلیلی و آماری می‌شود. این آثار به هر زبانی باشد، در مجموعه خواهد آمد.

در این مجموعه، بخشی از کتاب که جنبه علمی داشته باشد نیز آمده است.

۲۱. تشکیلات مدیری
 ۲۲. بودجه روحانیت
دفتر شش: (۲۳) نهادها و مراکز
دفتر هفت: (۲۴) ردیه و دفاعیه
دفتر هشت: (۲۵) مناسبات جهانی روحانیت
دفتر نه: (۲۶) آسیب‌شناسی روحانیت
دفتر ده: (۲۷) هنر
دفتر یازده: (۲۸) پژوهش‌های تطبیقی
دفتر دوازده: هویت جامعه روحانیت
 ۲۹. بررسی‌های عمومی
 ۳۰. اخلاق
 ۳۱. زندگی عمومی
 ۳۲. شأن و منزلت
 ۳۳. اصلاح و بازسازی
 ۳۴. قشرها و جریان‌ها
 ۳۵. روابط درون سازمانی
 ۳۶. جریان‌های مذهبی روحانیت
 ۳۷. جریان‌های سیاسی روحانیت
 ۳۸. جریان‌های فرهنگی و فکری روحانیت
دفتر سیزده: پراکندگی جغرافیایی حوزه‌ها و روحانیت
 ۳۹. قم و تهران
 ۴۰. ایران: اصفهان و قزوین
 ۴۱. ایران: دیگر حوزه‌ها
 ۴۲. عراق
 ۴۳. کشورهای خاورمیانه و جنوب آسیا
 ۴۴. آفریقا، اروپا، آمریکا و شوروی سابق
دفتر چهارده: مبارزات سیاسی
 ۴۵. نبردهای داخلی
 ۴۶. نبرد با استعمار
دفتر پانزده: سیاست
 ۴۷. اندیشه سیاسی
 ۴۸. کارکرد سیاسی روحانیت
 ۴۹. شؤون و مناصب
 ۵۰. مشارکت سیاسی
 ۵۱. تشکلهای و احزاب سیاسی
دفتر شانزده: فعالیت و خدمات اجتماعی
۵۲. کارکرد اجتماعی
 ۵۳. جامعه‌سازی
 ۵۴. تبلیغ و دعوت
 ۵۵. منزلت اجتماعی
 ۵۶. رسالت و وظایف
 ۵۷. شعائر دینی و عزاداری
 ۵۸. تربیت اخلاقی
دفتر هفده: فعالیت فرهنگی
 ۵۹. فرهنگ‌سازی
 ۶۰. کتابخانه و کتابداری
 ۶۱. نگارش و پژوهش
 ۶۲. روزنامه‌نگاری و خدمات مطبوعاتی
 ۶۳. چاپ و نشر
 ۶۴. روابط فرهنگی
دفتر هجده: انطباق اسلام با مقتضیات جدید
 ۶۵. تحولات تاریخی اجتهاد
 ۶۶. نقش زمان و مکان در پویایی فقه
 ۶۷. واقعیت‌ها و اجتهاد مطلوب
 ۶۸. کارایی و نقش اجتهاد
 ۶۹. تجدد و نوسازی
دفتر نوزده: مرجعیت
 ۷۰. تاریخ
 ۷۱. ساختار تشکیلاتی
 ۷۲. شرایط
 ۷۳. عملکرد
 ۷۴. شخصیت‌شناسی
 ۷۵. ساز و کار و خدمات
دفتر بیست: (۷۶) نخبگان روحانیت
دفتر بیست و یک: مناسبات و روابط
 ۷۷. رابطه با جریان‌ها و گروه‌ها
 ۷۸. رابطه با جامعه
 ۷۹. رابطه با اقشار جامعه
دفتر بیست و دو: رهبری جنبش‌ها و نهادها
 ۸۰. بررسی کلی و تنبأکو
 ۸۱. مشروطیت: اندیشه و جریان‌ها
 ۸۲. مشروطیت: عملکرد و آسیب‌شناسی

محدودی از روحانیت پرداخته‌اند. اولی با هدف گردآوری اطلاعات منابع مربوط به قشری از روحانیت، یعنی مرجعیت، سامان یافته و دومی، صرفاً معرفی منابع نظام آموزش و پرورش روحانیت است. ضمناً منابع درباره مرجعیت را هم معرفی کرده‌اند.

به‌تازگی نیز آقای حمید رحمانی و محمد کاظم رحمتی کتابشناسی دیگری درباره روحانیت و مرجعیت منتشر کرده‌اند.^{۳۵}

همه این کتابشناسی‌ها در چارچوب مرحله یکم از مراحل سه‌گانه فوق است، اما در مرحله دوم هیچ اقدامی انجام نگرفته است. منظورم اجرای پروژه علمی و در دسترس همگان است. اما در مرحله سوم تألیفاتی عرضه شده است. البته هر کدام از این تألیفات پرونده علمی داشته‌اند ولی این پرونده‌ها شخصی و مربوط به یک پروژه است. بنابراین مرجعیت‌پژوهی در مرحله دوم فاقد مجموعه متون و منابع یا به اصطلاح دیگر پرونده علمی همگانی و برای استفاده عمومی بود. خوشبختانه مجموعه متون و اسناد روحانیت و مرجعیت در ۹۳ جلد اولین مجموعه‌ای است که تأمین‌کننده نیازهای پژوهشی محققان در مرحله دوم است.

نتیجه‌گیری: دوره چهارم که رویکرد پژوهشگران به تحقیقات آکادمیک و تألیف کتاب‌های مرجع در عرصه مرجعیت است هنوز اندر خم یک کوچه است و با تلاش‌های مستمر دایرة المعارف، کتابشناسی و مقاله‌شناسی‌های کارگشا و دیگر آثار مرجع در این زمینه عرضه شود. از سوی دیگر لازم است با روش مختلف پژوهشی مثل شیوه‌میدانی به بررسی مسائل مرجعیت پرداخته‌اند. البته از کلی‌گویی و پرداختن به موضوعات عام خودداری کرد، بلکه موضوعی ریز و کوچک را از زوایای مختلف و با شیوه‌های گوناگون بررسی کرد. هم‌اکنون مرجعیت شیعه جایگاهی در چشمان جهانیان دارد که باید با پژوهش‌های راهبردی، ضعف‌های آن را کارشناسانه تحلیل کرد و راه کارهای رفع نقائص را شناخت. همان‌گونه که در دستگاه عریض و طویل واتیکان در رم، مرکز تحقیقاتی با پژوهشگران زبده و خبره به مطالعه جوانب و مسائل و رخدادهای پاپ و کشیش‌ها و اسقف‌ها در کشورها و شهرها می‌پردازند. و به این روش توانسته‌اند اقتدار دستگاه پاپ را گسترش دهند. ضروری است در دستگاه مرجعیت شیعی مطالعات و پژوهش‌ها گسترش پیدا کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مجموعه با عنوان مجموعه اسناد و متون روحانیت در مؤسسه فرهنگی دین‌پژوهی بشری تهیه شده است.
۲. این کتاب چندین چاپ دارد، از جمله سید عبدالعزیز طباطبایی آن را تصحیح و در قم (۱۴۲۰ق) منتشر کرده است. برای مطالعه درباره طوسی بنگرید به: یادنامه شیخ

۸۳. نهضت ملی نفت

۸۴. انقلاب اسلامی ایران: بررسی عملکرد

۸۵. انقلاب اسلامی ایران: نقش روحانیت و تداوم

۸۶. نهضت‌ها و جنبش‌های خاورمیانه

۸۷. شبه قاره هند

۸۸. پاکستان و افغانستان

دفتر بیست و سه: مناسبات روحانیت

۸۹. بررسی عمومی

۹۰. ایران: صوفیه و قاجاریه

۹۱. ایران: دوره پهلوی

۹۲. ایران: دوره جمهوری اسلامی

همان‌گونه که از این فهرست پیداست، دفتر نوزدهم ویژه مرجعیت است و خود شش جلد دارد. در واقع گزیده‌ای از منابع سودمند از زبان‌های مختلف در این دفتر گرد آمده است. به طوری که پژوهشگران مرجعیت را راهنمایی می‌نماید.

این مجموعه آخرین پژوهش در باب روحانیت و مرجعیت است. مدیریت پروژه در صد بوده که این مجموعه، مرجعیت‌پژوهی را پشتیبانی علمی کند و تحقیقات متقن و آکادمیک را با گشودن افق‌های جدید بسترسازی نماید.

هر پژوهش علمی سه مرحله عمده دارد: یکی مطالعه اولیه و گردآوری اطلاعات (کتابشناسی)، دوم گردآوری متون و منابع مرتبط با تحقیق (مجموعه‌سازی) و بالاخره تألیف.

در دوره چهارم مرجعیت‌پژوهی ایجاب می‌کرد تا تحقیقات مرجع به عنوان زیربنای تحقیقات مرجعیت عرضه شود. از این‌رو این مجموعه مرحله دوم را پوشش می‌دهد. تاکنون اطلاعات درباره روحانیت و مرجعیت در چند پروژه به صورت کتابشناسی گردآوری شده است: در گذشته چند پژوهش کتابشناختی در این باره منتشر شده است. آقای محمد اسفندیاری کتاب‌شناسی توصیفی روحانیت را به چاپ سپرد. ایشان در مجموع ۱۱۸ کتاب فارسی و عربی معرفی کرده است. نویسنده تلاش کرده فقط کتاب‌های مربوط به نهاد روحانیت را اطلاع‌رسانی کند. اما جای آثار لاتین و مقالات و پایان‌نامه‌ها در آن خالی است. آقایان محمد نوری و نعمت‌الله صفری کتاب‌شناسی فقاهت و مرجعیت را در ۱۳۷۳ در مرکز تحقیقات استراتژیک تهیه کردند که در سطح محدود منتشر شد. کتاب‌شناسی مهم دیگر، مأخذشناسی تعلیم و تربیت روحانیت است که به کوشش محمد نوری در سال ۱۳۷۶ منتشر شد. این دو پروژه به ابعاد

- الطائفه طوسی، به کوشش علی دوانی.
۳. ابوجعفر محمد بن علی مشهور به ابن شهر آشوب (درگذشت ۵۸۸ق) محدث مورخ و متکلم نامور شیعی که به منظور تکمیل فهرست شیخ طوسی کتاب معالم العلماء را نوشت. عباس اقبال این کتاب را با این مشخصات منتشر کرد: معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و أسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً تهران، ۱۳۵۳ق.
۴. ابوالحسن منتجب‌الدین علی بن عیبدالله (متولد ۵۰۴ق) کتاب فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم را در تکمیل فهرست شیخ طوسی و به منظور اطلاع‌رسانی شخصیت‌ها و کتاب‌های شیعه نوشت. این کتاب به کوشش سیدعبدالعزیز طباطبایی (بیروت، دار الاضواء، ۱۹۸۶م) منتشر شد.
۵. نوشته‌های کوتاه و بلندی که نخبان دوره مشروطیت تألیف و عرضه کردند و شالوده حکومت مشروطه را پایه‌ریزی کرد به «رسائل مشروطیت» معروف است. مهم‌ترین مجموعه این رسائل، کتاب رسائل مشروطیت است که دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد گردآوری و چاپ کرده است.
۶. زندگینامه و آثار شیخ طوسی، آقابزرگ تهرانی، ترجمه علیرضا میرزا محمد و سیدحمید طبیبیان، تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۲.
۷. برای نمونه رسائل مشروطیت را مطالعه کردم تا ببینم تلقی چگونه بوده است. حتی در مواردی که بحث از مسائل سیاسی است وقتی سخن از وظایف مرجع به میان می‌آید مرجع را فقط مجتهد بیانگر احکام شرعی معرفی می‌کنند در رساله تذکره العاقل از شیخ فضل‌الله نوری آمده که قانونگذاری با خاتمیت مغایر است و حتی مراجع نمی‌توانند تقنین کنند، بلکه وظیفه فقها منحصر به آن است که احکام کلیه را بر اساس چهار دلیل استنباط فرمایند و به عوام برسانند (رسائل مشروطیت غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، کویر، ۱۳۷۴، ص ۴۸).
۸. نخستین چاپ این اثر دارای این مشخصات است: بحثی درباره مرجعیت و روحانیت نویسنده‌گان، تهران، شرکت سهامی انتشار، دی ماه ۱۳۴۱.
۹. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، ص الف - ب.
۱۰. همان، ص ب.
۱۱. همانجا.
۱۲. همان، ص د.
۱۳. همانجا.
۱۴. همان، ص ب - د.
۱۵. همان، ص ه.
۱۶. همانجا.
۱۷. همانجا.
۱۸. همان، ص ه - و.
۱۹. همان، ص ز.
۲۰. تشکیلات مذهب شیعه از ابومحمد وکیلی قمی، تهران، دانشگاه تهران،
- ۱۳۴۵، ۱۷۲ ص.
۲۱. روحانیت در شیعه نصیرالدین امیرصادقی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۱۴۴.
۲۲. الحسنی، سلیم، المعالم الجدیدة للمرجعية الشیعة: دراسة و حوار مع آیت الله السیدمحمدحسین فضل‌الله، بی‌جا، نشر توحید، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م، ص ۲۰۸.
۲۳. این اثر در کتاب الاسلام یقود الحیاة نیز چاپ شده و چندین چاپ دارد.
۲۴. این جزوه به زبان‌های مختلف چاپ شده و چاپ عربی آن چند انتشار دارد (نگاه کنید به کتاب‌شناسی شهیدمحمدباقر صدر، محمدنوری، ص ۳۲).
۲۵. المرجعية الدينية العليا عندالشیعة الامامية، حسین معنوق، بیروت، دارالهدی، ۱۳۹۰ق/ ۱۹۷۰م، ص ۵۹.
۲۶. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران. چاپ سوم: تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴. شانزدهم ۳۹۸ص.
۲۷. همو، نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران: با دو رویه تمدن بورژوازی غرب تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲۸. نقش روحانیت در جنبش مشروطیت: دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجاریه حامد الگار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۵۶. مشخصات انگلیسی این اثر این گونه است:
- i. Religion and State in Iran 1785 – 1906: The Role of Ulama, Kalifornia, 1975.*
۲۹. ویژه مرجعیت (مجله حوزه ویژه مرجعیت) ش ۵۷-۵۶، خرداد - شهریور ۱۳۷۲.
۳۰. بیروت، دار الکتوز الادبی، ۱۹۹۸م.
۳۱. بیروت، المرکز الثقافی العربی، ۲۰۰۲م.
۳۲. بیروت، المرکز الثقافی العربی، ۱۹۹۶م. این کتاب توسط محمد نوری به فارسی برگردانده شد و با عنوان استبدالاستیازی چاپ شد.
۳۳. تهران، آفاق، ۱۳۶۱.
۳۴. حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، سیدعلیرضا سیدکباری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۳۵. فرهنگ اندیشه سال دوم، ش ۷ (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۲۶۷ - ۳۱۶.

